



Providing a Framework for Establishing and Developing a Continuous Financial Literacy System by Measuring Financial Literacy in Tehran High Schools

Majeed Ghaderi Rahghy^{1*}, Saber Khandan Alamdari²

¹PhD Student, Department of Industrial Management, Faculty of Accounting and Management, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

²Assistant Professor, Department of Industrial Management, Faculty of Accounting and Management, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 07.12.2020

Revised: 12.07.2020

Accepted: 12.09.2020

Keyword:

Development of continuous financial literacy system
Measurement of financial literacy
Tehran secondary schools

***Corresponding Author:**

Majeed Ghaderi Rahghy

Email: m.ghaderi50@gmail.com

ABSTRACT

Financial literacy and understanding its concepts are of particular importance to students because the financial decisions they make during their student years have a significant impact on their financial situation after graduating from school and university. The aim of the present study was to provide a framework for the establishment and development of a continuous financial literacy system by measuring financial literacy in Tehran secondary schools. The study method in this research was survey-descriptive method. After extracting and approving the appropriate questionnaire, the questionnaire was distributed among students. The statistical population consisted of third year high school students Tehran. The findings indicate that the three dimensions of student 'financial literacy' (financial knowledge, financial behavior, and financial attitude) affect their field of study (0.236) and their parents' job (0.205). The results show that with the three dimensions of students' financial literacy, their level of education will be relatively strong, and with high financial literacy, their parents' employment rate will be relatively low.





شاپای الکترونیکی: ۲۵۳۸-۴۴۳۰

شاپای چاپی: ۲۳۸۲-۹۷۹۶

مقاله پژوهشی

ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران

مجید قادری رهقی^{*۱}، صابر خندان علمداری^۲

- ۱- دانشجوی دکتری، دپارتمان مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، روغن، ایران.
- ۲- استادیار، دپارتمان مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، روغن، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
سواد مالی و درک مفاهیم آن برای دانش‌آموزان و دانشجویان، اهمیت ویژه دارد؛ زیرا تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط آنها در دوره دانشجویی تأثیر به‌سزایی بر وضعیت مالی آن‌ها پس از فارغ‌التحصیلی از مدرسه و دانشگاه دارد. هدف از تحقیق حاضر، ارائه چارچوبی برای استقرار و توسعه نظام پیوسته سواد مالی از طریق سنجش سواد مالی در مدارس متوسطه تهران بوده است. شیوه مطالعه در این تحقیق، روش پیمایشی- توصیفی می‌باشد. پس از استخراج و تأیید پرسش‌نامه مناسب، پرسش‌نامه بین دانش‌آموزان توزیع گردید. جامعه آماری این بخش از تحقیق دانش‌آموزان سال سوم، دوره دوم متوسطه مدارس شهر تهران بود. یافته‌ها حاکی از آن است که ابعاد سه‌گانه سواد مالی (دانش مالی، رفتار مالی، نگرش مالی) دانش‌آموزان، بر رشته تحصیلی آنان (۰/۲۳۶) و بر شغل والدین آنان (۰/۲۰۵) تأثیر دارد. نتایج نشان می‌دهد که با ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان رشته تحصیلی آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود و با بالا بودن ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان شغل والدین آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود.	<p>دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲</p> <p>بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷</p> <p>پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹</p> <p>کلید واژگان: توسعه نظام پیوسته سواد مالی سنجش سواد مالی مدارس متوسطه تهران</p> <p>*نویسنده مسئول: مجید قادری رهقی پست الکترونیکی: m.ghaderi50@gmail.com</p>



مقدمه

امروز به لحاظ پیچیدگی محیط‌های تجاری جدید و تنوع خدمات و محصولات ارائه شده توسط مؤسسات اعتباری، کسب رفاه مالی، مستلزم درک مناسب مباحث و مسائل مالی است. این نیاز از مدت‌ها قبل در اغلب جوامع مدرن درک شده و از سال‌های اولیه دهه ۹۰ میلادی تحت عناوینی نظیر سواد مالی و مالیه شخصی مطرح گردیده و با گذشت زمان به اهمیت آن افزوده شده است؛ به گونه‌ای که امروزه مفاهیم مرتبط با آن در کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستان‌ها و رشته‌های مختلف دانشگاهی تلقی می‌گردد. در این کشورها بنیادهای غیرانتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد مالی را عهده‌دار هستند و با انجام آزمون‌های متعدد به اندازه‌گیری پیشرفت سواد مالی در کشور خود می‌پردازند (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹). علی‌رغم اهمیت سواد مالی، تاکنون مفاهیم و موضوعات مرتبط با آن در ایران کمتر مورد توجه بوده و حتی ابزار مناسبی برای سنجش آن در کشور وجود نداشته است. تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناورانه و تأثیر آنها بر مسائل زیست‌محیطی از موضوعات مهم دو دهه اخیر محسوب می‌شود (قالمق و همکاران، ۲۰۱۶). برقراری ارتباط بین رویکرد تاریخی توسعه فناوری و فرایندهای نوآوری باعث ایجاد یک نگرش عمیق به مسئله تغییرات فناوری و نوآوری خواهد شد. از طرف دیگر با توجه به مسائل گوناگون اجتماعی و زیست‌محیطی، نوآوری فناورانه و توسعه نظام نوآوری انرژی یک ضرورت برای توسعه اقتصادی کشورها به شمار می‌آید. امروزه با توجه به گستردگی دانش بشری و توسعه جهان فناوری‌ها، تعریف «انسان باسواد» نسبت به گذشته تفاوت‌های اساسی پیدا کرده است (دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۲۰۱۵). در قرن حاضر صرف خواندن و نوشتن و حتی دانستن زبان دوم نمی‌تواند برای باسواد بودن کافی باشد. بنا به تعریف (شیرزادی، ۲۰۱۸) شخص باسواد فردی است که دارای شش نوع سواد آموزش و پرورشی، سواد عاطفی، سواد ارتباطی، سواد رسانه، سواد رایانه‌ای و سواد مالی باشد. دانش مالی، علم مالی یا مالیه شاخه‌ای از فعالیت‌های تجاری است که راه‌اندازی بنگاه، بازاریابی و مدیریت پول و وجه نقد، در انواع حساب‌های سرمایه، ابزارها و بازارها را در بر می‌گیرد و با هدف انجام معاملات دارایی، دیوان مالی و ریسک ایجاد شده‌اند (رحمانی نوروزآباد و محمدی، ۲۰۱۹). دانش مالی توسط سیستم پیچیده‌ای از روابط قدرت، در ساختارهای اقتصادی و سیاسی، در بازارهای جهانی، کنترل و ساختار بندی می‌شود. این فعالیت‌ها به شکل روزافزونی تمرکز تکنیکی و مؤسساتی روی اندازه‌گیری و پوشش روابط ریسک- بازدهی را که روی ارزش سهام‌دار اثر می‌گذارد، پوشش می‌دهند (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹). شبکه‌های مالی اغلب امکان مذاکره، بازاریابی و دادوستد در محصولات و خدمات مالی را برای مشتریان، فراهم سازند. عملکرد مالی کارایی و سودآوری سرمایه‌گذاری، ضمانت ادعای وام‌گیرندگان و احتمال این که ابزارهای مشتقه مالی چقدر می‌توانند سرمایه‌گذاران را در مقابل ریسک‌های بازار مصون بدارند، می‌سنجد. سواد مالی می‌تواند در بردارنده مفاهیمی از نوع آگاهی‌های مالی، دانش و علم در خصوص محصول‌های مالی و مؤسسه‌های مالی یا مفاهیمی چون مهارت‌های مالی مانند توانایی محاسبه پرداخت بهره ترکیبی و به طور کلی توانایی مالی در خصوص مدیریت پول و برنامه‌ریزی‌های مالی باشد؛ اگر چه در عمل این مفاهیم با هم همپوشانی دارند و مشترک هستند. این مفاهیم ممکن است شیوه اجرای متفاوتی داشته باشند که وابسته به سطح درآمد کشورها است. برای مثال در کشورهای با درآمد بالا، سواد مالی بیشتر اوقات به عنوان یک مکمل حمایتی برای مشتری در نظر گرفته می‌شود (رحمانی نوروزآباد و محمدی، ۲۰۱۹). یکی از هدف‌های اولیه تحصیلات مالی، تجهیز کردن افرادی است که قابلیت مدیریت مجموع‌های از وام رهنی محصول‌های مالی مانند طرح بازنشستگی دارند، تا بتوانند تصمیم‌های مالی درستی بگیرند. از این روست که با انتقال مسئولیت‌های برنامه‌ریزی مالی از بخش عمومی به افراد، اهمیت چنین کاری بارها تأیید و تأکید شده است. در کشورهای کم‌درآمد، توسعه‌یافتگی مالی، بسیار محدودتر اتفاق می‌افتد و محصول‌های تخصصی و پیشرفته، به نوعی در دسترس درصد بسیار کمی از جمعیت هستند و به همین دلیل، نقش سواد مالی در افزایش سطح دسترسی و خدمات مالی بیشتر از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد (روشندل و همکاران، ۲۰۱۸). تحقیقاتی که در کشورمان بر میزان سواد مالی انجام شد، نشان می‌دهد سطح سواد مالی در جایگاه مناسبی نیست و نیاز جدی به ارتقای آن احساس

می‌شود. یکی از این تحقیقات را سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲-۱۳۹۱) صورت داده است. این افکارسنجی نشان می‌دهد ۹ درصد جامعه نمونه که قابل‌تعمیم به کل کشور است. سواد مالی ناکافی، ۳۹ درصد نسبتاً کافی، ۳۲ درصد مناسب و تنها ۱۵ درصد در سطح ایده‌آل است. ملموس‌ترین اثر داشتن سواد مالی مناسب این است که افراد بهتر می‌توانند کسب درآمد کنند و هزینه‌کرد مناسب‌تری نیز داشته باشند. این مسئله، ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی را نیز کاهش می‌دهد (شیرازیان، ۲۰۱۸). اثربخشی دیگر در رفتار اقتصادی فرد در هنگام مشکلات و بحران‌ها خود را نشان می‌دهد. اگر سطح سواد مالی بالا برود، رونق مبادلات مالی و سطح رفاه افراد نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه در بحران‌های اقتصادی شاهد رفتار درست خواهیم بود که به‌نوبه خود مانع از به هم خوردن نظم اقتصادی و اجتماعی در کشور می‌شود (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹). باید توجه داشته باشیم که ارتقای سواد مالی، یک موضوع ملی است و هیچ بخشی به‌تنهایی نمی‌تواند این مسؤلیت را به شکل کامل به انجام برساند. از دیگر سو، قطعاً بدون مشارکت عمومی و بالای مردم در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور چرخ اقتصاد به گردش درخواهد آمد و اگر این حضور، آگاهانه و مبتنی بر دانش باشد مردم به طور خودکار و خودجوش راه‌حل مشکلات اقتصادی را خواهند یافت و از آن عبور خواهند کرد؛ بنابراین، در صورت وحدت رویه و هماهنگی دستگاه‌های مختلف اجرایی و سازمان‌های ذی‌ربط جنبش عظیم ارتقای سواد مالی، در فضای عمومی جامعه شکل می‌گیرد و در پی شکل‌گیری این بستر عمومی متعاقباً تقویت سیستم اقتصادی کشور و دستیابی به سیاست‌ها و شعارهای اقتصاد مقاومتی مقدور و تسهیل خواهد شد (دیپلومی و حنیفه زاده، ۲۰۱۵). تصمیم‌گیرندگان در بازارهای مالی نیازمند اطلاعات گوناگونی هستند تا بتوانند با استفاده از آن اطلاعات، بهینه‌ترین تصمیم را بگیرند. تصمیم‌گیری بهینه و صحیح، کارایی بازارهای مالی (تخصیص درست و به‌جای منابع) را در پی خواهد داشت که خود منجر به تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی می‌شود. از مهم‌ترین این تصمیم‌گیرندگان، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان هستند. آنها به اطلاعاتی نیاز دارند که براساس آن بتوانند در مورد خرید، نگهداری یا فروش سهام تصمیم‌گیری کنند. اعتباردهندگان علاقمند به اطلاعاتی هستند که براساس آن بتوانند توان واحد تجاری را در بازپرداخت به‌موقع اصل و فرع تسهیلات دریافتی ارزیابی کنند (بهمنی و نظام طاهری، ۲۰۲۰). به نظر می‌رسد این مسئله در آموزش نادرست این قبیل موارد در کودکی و نوجوانی افراد ریشه دارد. آیا محتوای درسی مدارس ابتدایی ۱۵ سال پیش، مدارس راهنمایی ۱۰ سال قبل و دبیرستان‌های ۵ سال پیش، کودکان و نوجوانان دیروز را برای مواجهه با پیچیدگی‌های مالی دنیای امروز آماده کرده است؟ نوجوانان پس از اتمام دوره دبیرستان چقدر برای ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و مالی آمادگی دارند؟ چقدر با کارآفرینی و پیچیدگی‌های آن آشنا هستند؟ چقدر با بازاریابی و پیچیدگی‌های دنیای تبلیغات آشنایی دارند؟ آیا می‌توانند برنامه‌ریزی مالی خوبی برای خویش داشته باشند؟ سوالاتی از این دست نشان می‌دهد نیاز به سنجش سواد مالی به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان و بررسی عوامل مؤثر بر آن، همچنین آموزش مفاهیم به این افراد از نیازهای اساسی کشور محسوب می‌شود؛ این در حالی است که در حال حاضر حتی ابزار مناسبی برای سنجش سواد مالی در کشور وجود ندارد (روشندل و همکاران، ۲۰۱۸). به نظر می‌رسد نقطه مناسب برای آغاز پژوهش در این حوزه ارائه الگویی مناسب برای سنجش سواد مالی در کشور باشد؛ زیرا در کشور ما الگویی مناسب برای این امر وجود ندارد و بدون اندازه‌گیری وضعیت فعلی سواد مالی در کشور، طرح هر ادعایی ذهنی و بدون پشتوانه خواهد بود. شایان ذکر است به سبب تفاوت‌های موجود بین ساختار مالی و اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و ایران، استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد این کشورها برای سنجش سواد مالی در کشور مناسب نیست؛ لذا هدف پژوهش حاضر، طرح مفهوم سواد مالی و تهیه ابزار مناسب برای سنجش آن در بین دانش‌آموزان با استفاده از نظر خبرگان مالی کشور و با کمک روش دلفی فازی است که در ادامه، ضمن ارائه پیشینه تحقیقات این حوزه، روش دلفی فازی نیز تبیین و در نهایت روش تحقیق و تجزیه و تحلیل نتایج ارائه خواهد شد. از آنجا که بررسی همه سطوح جامعه کاری، پرهزینه و زمان‌بر می‌باشد و از سوی دیگر استقرار نظام توسعه سواد مالی در رده‌های سنی پایین‌تر، تضمین مناسب‌تری برای جامعه آینده خواهد بود؛ بررسی‌ها و ارائه الگویی کاربردی در این رده سنی لازم است و نتایج بلندمدت‌تری را به

ارمغان خواهد آورد. بنابراین، با توجه به توسعه دانش مالی، تولید ابزارها و محصولات مالی نو، روش‌های جدید انجام معاملات مالی و افزایش روزافزون پیچیدگی‌های مالی در زندگی تک‌تک افراد جامعه و رشد سریع فناوری اطلاعات و قرار گرفتن حوزه مالی بر اسب سرکش فناوری اطلاعات از سوی دیگر، ارائه چارچوبی مناسب برای سنجش سواد مالی در جامعه و مدلی برای استقرار سواد مالی و توسعه آن از سطح متوسطه به‌طور مستمر بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، با توجه به مطالب مطرح شده در فوق و به دلیل اهمیت مطالعه سنجش سطح سواد مالی در دانش‌آموزان و نقش آن در توسعه، پیشرفت یک جامعه، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از این که الگو و مدل مناسب برای استقرار و توسعه نظام سواد مالی در مدارس متوسطه شهر تهران چیست؟ شاخص‌های مناسب برای سنجش میزان سواد مالی در مدارس متوسطه شهر تهران چیست؟ در ارزیابی سواد مالی رتبه ابعاد سه‌گانه سواد مالی (نگرش مالی، رفتار مالی و دانش مالی) چگونه است؟ و آیا بین ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان با رشته تحصیلی آنان، با نوع شغل والدین، با تحصیلات والدین و نوع مدرسه رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

هر فرد از جامعه روزانه با موارد متعددی از تصمیم‌ها و انتخاب‌های اقتصادی در زمینه خرید، فروش، پس‌انداز، مصرف، سرمایه‌گذاری، تامین مالی و ... مواجه است. شریعت اسلامی با درک این مهم، آموزه‌هایی را در نحوه کسب و مصرف درآمد و روزی حلال، انجام صحیح کسب‌وکار، تجارت و معامله‌گری، شناخت حقوق اقتصادی و الزامات رعایت آن در قبال دیگران و مواردی از این دست را عرضه کرده است که می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد. بنابراین، با توجه به تحولات عصر جدید و وضعیت ایران در آمارهای جهانی، نظام آموزشی کشور نیازمند آنست که در اسرع وقت به تدوین و اجرای یک استراتژی ملی آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان و دانشجویان اقدام کند. همچنین، با توجه به ارزش‌های حاکم بر جامعه و نظام اسلامی و ظرفیت‌های مالی اسلامی نیاز است این استراتژی ملی آموزشی، مبتنی بر مؤلفه‌های سواد مالی اسلامی طراحی و پایه‌ریزی شود. در عصر جدید، فقدان سواد مالی و مهارت‌های مالی در میان جوانان، یکی از دغدغه‌های ملی کشورهای دنیاست و تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دبیرستان به شکل معمول در آزمون‌های ارزیابی سواد مالی امتیاز مناسبی کسب نمی‌کنند. از جمله عوارض پایین بودن سطح سواد مالی یک جامعه می‌توان به: ۱- عدم استقبال مناسب از بازارهای مالی و ابزارهای جدید تأمین مالی ۲- رشد نیافتن کارآفرینی، سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر و نوآوری‌های مالی متناسب با رشد جمعیت ۳- افزایش هزینه‌های اقتصادی قابل‌اجتناب در حوزه تولید و مصرف ۴- افزایش احتمال سوءاستفاده مالی قرار گرفتن افراد و ... اشاره داشت که البته تأثیر سایر علل نهادی و زیرساختی نیز بر موارد فوق قابل چشم‌پوشی نیست. همچنین در آزمون‌های مرتبط با موضوعات تصمیم‌گیری در خصوص استقراض پس‌انداز سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده مالی خود دچار مشکل هستند. در یک تحقیق میدانی در سال ۲۰۰۸ توسط مؤسسه جامپ استارت یک مؤسسه ملی امریکایی می‌باشد نشان داد که میانگین نمره سواد مالی دانش‌آموزان ارشد در دبیرستان‌ها صرفاً ۴۸/۳ درصد می‌باشد و این امتیاز به میزان ده نمره کمتر از حدنصاب قبولی بود. همچنین این امتیاز در حداقل امتیازات حاصل از آزمون‌های هر شش ماه یک‌بار از سال ۱۹۹۸ به بعد می‌باشد (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹). از سوی دیگر یک تحقیق ملی در نمونه‌ای از جوانان بالغ نشان داد که صرفاً ۲۷ درصد از آنها مفاهیمی چون تورم ریسک، تنوع بهره ساده و نرخ مرکب را درک نمی‌نمایند و در همین راستا تحقیق دیگری در سال ۲۰۱۸ نتایج مشابهی در خصوص فقدان دانش مالی در میان دانشجویان دانشگاه‌ها را نشان داد (شیرازیان، ۲۰۱۸). رشد روزافزون اسناد تحقیقاتی مبنی بر این که سواد مالی با تصمیم‌گیری مالی بهتر شخصی همراه است نشان‌دهنده این حقیقت است که افرادی که سطح بالاتری از سواد مالی دارند در برنامه‌ریزی بازنشستگی عملکرد بهتری دارند و کمتر مستعد ابتلا به هزینه‌های اضافی هستند و بیشتر در بازارهای مالی شرکت می‌کنند با پرتفوی

متنوع‌تر (دوکا و کومار، ۲۰۱۴)^۱. سواد مالی همچنین به بازده بالاتر در حساب‌های سپرده و تمایل بالاتر برای برداشت سپرده از بانک‌های مضطرب مربوط می‌شود این تئوری از تجمع سواد مالی به عنوان یک انتخاب سرمایه انسانی درون‌زا استفاده می‌کند و اما تا حد زیادی در مورد ناهمگونی موجود در سهام اولیه، یعنی سطح سواد مالی هنگام ورود به بازار کار سکوت می‌کند (بلو و همکاران، ۲۰۱۴)^۲. کارهای تجربی اخیر بر تجزیه و تحلیل مداخلات آموزش مالی برای جوانان و بزرگسالان متمرکز شده است اما باز هم، کار تجربی کمی در مورد برنامه‌های آموزش مالی وجود دارد. سواد مالی به عنوان موردی مهم در ستون نیازمندی‌های عصر جدید، ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، گرایش و رفتارهای مالی لازم برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و سرانجام دستیابی به وضعیت مساعد مالی فردی تعریف شده است (شن و همکاران، ۲۰۱۶)^۳. بنا بر آمار موجود در رده‌بندی کشورهای جهان از حیث سواد مالی افراد جامعه با غلبه درصدی مردان نسبت به زنان کشورهایی همچون کانادا، استرالیا، آمریکا و کشورهای اروپای غربی در رده‌های بالا و کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای همچون ایران در رده‌های پایین قرار دارند. میزان سواد مالی تأثیر بسیار مهمی بر تصمیم‌گیری در رابطه با ادامه تحصیل دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که جوانان فاقد سواد مالی و همچنین فاقد حساب پس‌انداز تمایل کمتری به ادامه تحصیل دارند و همچنین این فقدان سواد مالی باعث افزایش هزینه‌های هدایت و راهبری دانش‌آموزان در خصوص تصمیمات مالی آنها دارد. آمار نشان می‌دهد میزان بدهی وام دانشجویان در سال‌های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده است و به طوری که این مبلغ از رقم ۳۴۰ بلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به تقریباً رقم ۱.۴۳ تریلیون دلار در پایان سال ۲۰۱۷ رسیده است (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹)^۴. ایالات متحده قوانینی را وضع کرده است تا سلامت اقتصادی شهروندان خود را از طریق وضع سیاست‌های توسعه سواد مالی بهبود بخشد. در این راستا آموزش سواد عمومی قبل از فارغ‌التحصیلی در دبیرستان می‌تواند نقش بسیار مهمی در توسعه سواد مالی و ارتقای تصمیمات مالی صحیح ایفا کند. متأسفانه هنوز بخش اعظم آموزش مالی و تلاش‌های مربوط بر دانشجویان دانشگاه‌ها و بزرگسالان متمرکز است. این تلاش‌ها معمولاً به جای آنکه کنشگر باشد انفعالی است و احتمالاً با یک تأخیر بسیار زیاد اتفاق خواهد افتاد. در مقابل آموزش‌های زود هنگام و در خلال سال‌های دبیرستان می‌تواند اهداف بهتری را قبل از آنکه مشکلات مالی رخ دهد و رفتارهای منفی و مخرب ناشی از فقدان سواد مالی در افراد بروز کند حاصل نماید (عاریفین، ۲۰۱۸)^۴. امروز به لحاظ پیچیدگی محیط‌های تجاری جدید و تنوع خدمات و محصولات ارائه شده توسط مؤسسات اعتباری، کسب رفاه مالی، مستلزم درک مناسب مباحث و مسائل مالی است. این نیاز از مدت‌ها قبل در اغلب جوامع مدرن درک شده و از سال‌های اولیه دهه ۹۰ میلادی تحت عناوینی نظیر سواد مالی و مالیه شخصی مطرح گردیده و با گذشت زمان به اهمیت آن افزوده شده است، به گونه‌ای که امروزه مفاهیم مرتبط با آن در کشورهایی نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستان‌ها و رشته‌های مختلف دانشگاهی تلقی می‌گردد. در این کشورها بنیادهای غیرانتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد مالی را عهده‌دار هستند و با انجام آزمون‌های متعدد به اندازه‌گیری پیشرفت سواد مالی در کشور خود می‌پردازند. در سال‌های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردم‌شان کرده‌اند. این توجهات توسط بحران‌های مالی برجسته می‌گردد؛ زیرا فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی بیمارگونه کمک می‌کند و این تصمیمات به‌نوبه خود تأثیر بسیاری بر تشدید بحران‌ها دارد؛ لذا در حال حاضر سواد مالی به عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی در سراسر جهان شناخته می‌شود (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹)^۴. همچنین، اخیراً افزایش علاقه در ارزیابی سواد مالی سرمایه‌گذاران فردی وجود داشته است و حال آن که بعضاً گزارش

¹ Duca & Kumar

² Blue

³ Shen

⁴ Arifin

نگران‌کننده‌ای از سطح پایین سواد مالی ارائه کرده‌اند (پوتریچ و همکاران، ۲۰۱۶)^۱. حقیقتاً، پس از بحران مالی جهانی بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹، تمرکز عمده‌ای بر آموزش سواد مالی در سراسر جهان پدید آمده است. پس از طرح این موضوع، مبحث سواد مالی مبدل به یک موضوع بسیار مهم تحقیقاتی شد، به طوری که ابتدا در کشورهای انگلستان و آمریکا و متعاقب آن در سایر کشورها از جمله استرالیا، هلند، ایتالیا، مالزی و ... مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. تأیید این مدعا تعداد زیادی از مطالعات در این حوزه و اجرای برنامه‌های آموزشی متعدد در راستای ارتقای سواد مالی در کشورهای مختلف به‌ویژه آمریکا است، به نحوی که تقریباً اغلب ایالت‌های این کشور سر فصل مصوب سواد مالی داشته و علاوه بر آن مجمعی به نام جامپ استارت در آمریکا وظیفه توسعه و بهبود سواد مالی را به عهده گرفته و هر سال یک‌بار نسبت به انجام آزمون ادواری سواد مالی و گزارش نتایج آن اقدام می‌نماید (قالمق و همکاران، ۲۰۱۶). با ورود به قرن بیست‌ویک، تعریف بسیاری از مفاهیم تغییر پیدا کرده است. برای مثال سواد دیگر همان معنی قدیمی توانایی خواندن و نوشتن را ندارد تا جایی که، پژوهشگران موفق به معرفی بیش از ۳۴ نوع سواد مفید و مدرن شده‌اند که سواد مالی و اقتصادی با معنای مصطلح آن، تنها یکی از آنها محسوب می‌شود. بر این اساس همه افراد از همه نسل‌ها نیاز به بازآموزی و سوادآموزی از نوع جدید دارند که سواد مالی و اقتصادی هم جزو آنهاست. مفاهیم مرتبط با سواد مالی، تحت عنوان مالیه شخصی نیز مطرح می‌گردد. مالیه شخصی عبارتست از مطالعه منابع با اهمیت در دستیابی شخص و خانوار به موفقیت مالی. مهم‌ترین موضوعات در مالیه شخصی شامل مدیریت مالیات، بودجه‌ریزی، مدیریت نقدینگی، استفاده از کارت‌های اعتباری، استقراض، مخارج با اهمیت، مدیریت ریسک، سرمایه‌گذاری‌ها، طرح‌های بازنشستگی و طرح خرید مسکن و املاک می‌باشد (پورنومو، ۲۰۱۹)^۲. در انگلستان نیز مفاهیم مالیه شخصی به عنوان بخشی از برنامه آموزشی ملی مدنظر قرار گرفته و در استانداردهای آموزش ملی وارد شده است و همچنین، بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان سواد مالی را به عنوان توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن تعریف کرده است (کامرون و همکاران، ۲۰۱۴)^۳. سواد مالی، از دیدگاه صرفاً پولی، به معنای توانایی قضاوت آگاهانه و اقدامات مؤثر در خصوص استفاده فعلی و آینده‌ی منابع مالی و مدیریت پول تعریف می‌گردد. همچنین سواد مالی می‌تواند به عنوان ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت، نگرش و رفتار لازم برای تصمیم‌گیری‌های مالی جهت نیل به رفاه مالی فرد در نظر گرفته شود (کامرون و همکاران، ۲۰۱۴). به طور معمول، مطالعات نشان می‌دهد که حتی در کشورهای پیشرفته، هنوز در میان عموم مردم سواد مالی وجود ندارد (شن و همکاران، ۲۰۱۶).

در اهمیت بهبود سواد سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه مالی می‌نویسد که مشتریان برخوردار از آموزش‌های مالی به‌طور فزاینده‌ای به کارایی بازارهای مالی پیچیده، یاری می‌رسانند. توانایی هر چه بیشتر چنین مشتریانی در ارزیابی و مقایسه و ویژگی‌های ریسک بازده محصولات مالی مختلف (به علاوه هزینه‌های مختلف آنها) که توسط واسطه‌های مالی متعدد عرضه می‌شود، به ارتقای رقابت در بازارهای مالی منجر می‌شود، (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۷) معتقد است که اگر افراد از لحاظ مالی باسواد نباشند قادر نخواهند بود که پس‌انداز یا طرح سرمایه‌گذاری مناسبی برای خودشان انتخاب کنند و ممکن است که در معرض ریسک کلاهبرداری قرار بگیرند؛ اما اگر افراد از نظر مالی آموزش ببینند، احتمال تر خواهد بود که پس‌اندازی داشته و عرضه‌کنندگان خدمات مالی را مجاب به توسعه محصولاتی کنند که تناسب بیشتری با نیازهایشان دارد. این موضوع هم بر سطح سرمایه‌گذاری و هم رشد اقتصادی آثار مثبتی دارد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۷). شایان ذکر است که امروزه درک مفاهیم و مهارت‌های مرتبط با سواد مالی به سبب این که مصرف‌کننده را برای بقا در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی موجود، توانا می‌سازد، ضروری است و بی‌سوادی مالی مشکلات بسیار زیادی را به همراه داشته باشد. از نظر اقتصاددان‌ها،

¹ Potrich

² Purnomo

³ Cameron

در بازار آزاد تئوریک: ۱. تقارن اطلاعاتی وجود دارد؛ ۲. هیچ بازیگر یا مشارکت‌کننده‌ای در بازار توان قیمت‌گذاری ندارد، همه قیمت‌پذیرند؛ ۳. مانعی برای ورود یا خروج از بازار وجود ندارد؛ ۴. دسترسی برابر به فناوری تولید وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که بی‌سوادی مالی مشارکت‌کنندگان در انواع بازارها و به خصوص بازارهای مالی شرط تقارن اطلاعاتی را نقض می‌کند و می‌تواند عملکرد آن بازارها را تحت شعاع قرار دهد. بنابراین، موضوع سواد مالی مشارکت‌کنندگان فعلی یا بالقوه یکی از مسائل اصلی در عملکرد بهینه و کارایی بازارهای مالی است. سیاست‌گذارانی که براساس تئوری‌های اقتصاد بازار، سعی در توسعه بازارهای مالی دارند باید از پیش بدانند که کمترین سطح سواد مالی لازم برای افرادی که قرار است در بازارهای مالی مد نظر آنها مشارکت کنند باید چه میزان باشد تا اهداف مد نظر تحقق یابد و نیز باید ارزیابی درستی از سطح سواد مالی مشارکت‌کنندگان در بازارهای مالی داشته باشند (اسلامی بیدگلی و کریم خانی، ۲۰۱۶). در دنیای امروز اقتصاد جهان چنان پیچیده شده است که شکاف میان آنچه مردم از اقتصاد و سرمایه‌گذاری می‌دانند و آنچه باید بدانند، روبه‌روز در حال افزایش است. براین اساس، یکی از نیازهای ضروری که با زندگی روزمره شهروندان یک کشور آمیخته است و باید به طور جدی در سطوح مختلف تحصیلی به آن پرداخته شود، آموزش‌های مربوط به سواد مالی و اقتصادی است. سواد مالی و درک مفاهیم آن برای دانش‌آموزان و دانشجویان نیز اهمیت ویژه دارد؛ زیرا تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط آنها در دوره دانشجویی تأثیر بالاهمیتی بر وضعیت مالی آنها پس از فارغ‌التحصیلی از مدرسه و دانشگاه دارد. علاوه بر این موقعیت مالی آنها در مدرسه و دانشگاه می‌تواند عملکرد درسی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. بدیهی است آموزش سواد مالی در دنیا به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد. در روش مستقیم در زمان مشخص، محتوای از پیش تعریف‌شده‌ای به مخاطب منتقل می‌شود و در روش دوم مباحث در خلال درس‌های دیگر و به صورت مثال‌ها یا شواهد مربوط به آنها آموزش داده می‌شود. هر یک از این روش‌ها در جای خود می‌تواند به ارتقای سواد مالی بینجامد؛ با این حال هیچ‌یک جایگزین کاملی برای دیگری نیست (روشندل و همکاران، ۲۰۱۸). از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی جهانی عبارتند از: حفظ و توسعه ثروت فردی و جامعه و موضوع معیشت فردی و دانش قوانین کسب‌وکار، پرهیز از بطالت و بیکاری؛ داشتن روحیه کارآفرینی، پرهیز از اسراف و تبذیر و توجه به تحول در مشاغل و حرفه‌ها، خوشبختانه آموزش و پرورش ما نیز توجه به این مقوله مهم در ساحت اقتصادی سند تحول بنیادین توجه کرده است. با این حال، حوزه تربیت اقتصادی در دوره متوسطه هم‌اکنون از مهم‌ترین محورهای مغفول در کتاب‌های درسی به شمار می‌رود و به عبارت دیگر آموزش و پرورش متوسطه نتوانسته مفاهیم پیچیده اقتصادی امروز را با مفهوم‌پردازی‌های مناسب به مدرسه منتقل کند تا نسل آینده برای مواجهه با مشکلاتش، بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی تربیت شود (موسی زاده و همکاران، ۲۰۱۵). حتی کودک پیش‌دبستانی، در سال‌های نخستین تحصیلش نیازمند این است که بداند کارکردن با ارزش و امری است لذت‌بخش، مقدس و ثمره کار، درآمد است. تربیت اقتصادی تمام مهارت‌ها و توانمندی‌هایی را دربرمی‌گیرد که بر دانش اقتصاد متمرکز است و شامل محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، ارزیابی این روش‌ها و به طور کلی اطلاعات اقتصادی عمومی است که از دوره ابتدایی تا پایان دبیرستان، معلمان باید به آن توجه کنند و ضرورت دارد که دانش‌آموزان به آن‌ها دست یابند (پیغامی و تورانی، ۲۰۱۱). (بکر و همکاران، ۱۹۹۰)^۱ در پژوهش خود با عنوان «سواد اقتصادی در مدارس متوسطه» نشان داد که ۴۹/۵ درصد از دانش‌آموزان از کمکی که مدارس برای رشد آگاهی‌های اقتصادی آن‌ها داشته اظهار رضایت نداشته‌اند و تنها ۲۰ درصد از آن‌ها اعلام کردند که درس‌هایی پراکنده در رابطه با تربیت اقتصادی در طول سال تحصیلی گذرانده‌اند. نتایج مصاحبه آن‌ها نیز نشان داد که سطح علایق و دانش دانش‌آموزان، همبستگی قوی با آن چه در برنامه‌های درسی ارائه می‌شود دارد. همچنین در پژوهش خود با عنوان «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا» با استفاده از روش کیفی نشان دادند که نهادهای تصمیم‌ساز کلان و راهبردی کشور نمی‌توانند نسبت به رفتارسازی و فرهنگ‌سازی اقتصادی ایرانیان مبتنی برابعاد اسلامی

^۱ Becker

ایرانی بی توجه باشند؛ لذا ضروری است تا نسبت به برنامه‌های درسی مغفولی چون اقتصاد در برنامه درسی ملی به‌طور ویژه اهتمام ورزند (احمدی و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» به روش تحلیل محتوا نشان دادند که میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی در محتوای کتاب‌های درسی متفاوت است؛ ضمناً به مؤلفه‌های سواد اقتصادی بیشتر از سواد مالی پرداخته شده است (اسلامی بیدگلی و کریم خانی، ۲۰۱۶). در پژوهشی تحت عنوان «سواد مالی؛ زمینه‌های سیاسی- اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار» به واشکافی و فهم ابعاد مختلف سواد مالی پرداخته‌اند و آن را مولود عصر مالی‌سازی می‌دانند. این پژوهش سواد مالی را در زمینه‌های نئولیبرالیسم، توضیح داده است. در پژوهش خود نشان دادند که باید بر مبنای سه مؤلفه هدف، ابزار و آسیب شناسی؛ استنباط‌های تربیتی انجام گیرد تا اهداف آموزشی در سطوح شناختی، نگرشی و توانشی بر اساس آیات قرآن در حوزه تربیت اقتصادی تدوین شود و مورد استفاده آموزش و پرورش قرار گیرد (موسی زاده و همکاران، ۲۰۱۶). (سامه آیلار و همکاران، ۲۰۱۵) در پژوهش خود نشان دادند که می‌توان با ارائه متون اقتصادی به دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای مناسب تربیت، نظیر خدمت به کشور و تلاش برای ساختن اقتصاد ملی و اسلامی در دانش‌آموزان شوق و انگیزه اقتصادی لازم را ایجاد کرد. (آدم زاده و همکاران، ۲۰۰۸) در پژوهش خود نشان دادند که کارآفرینی را می‌توان به عنوان موضوعی بین رشته‌ای آموزش داد. آن چه در دنیای امروز، کارآفرینی را دامن زده و مورد توجه محققان قرار داده است، نگرانی مدیریت اقتصادی کشورها و سیاست‌مداران در رابطه با اشتغال و مشکل بیکاری است که به‌طور فزاینده‌ای تفکر خود اشتغالی را به‌عنوان راه‌حل مورد توجه آن‌ها قرار داده است. این مطالعه نشان داد رشد و توسعه کارآفرینی در دوران مدرسه می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کند. ژیرو^۱ در پژوهش خود در سال (۲۰۰۹) بیان کرد که معلم را باید به عنوان روشن فکر و اندیشمندی نگریست که به نوعی تفکر اشتغال دارد. معلم را نباید فقط به عنوان مجری نگریست که از لحاظ حرفه و تخصص مجهز شده است تا اهداف را تحقق بخشد، بلکه آن‌ها متخصصانی هستند که با تلاش خود آینده‌ای روشن را برای کشور رقم می‌زنند. (باج و ساندرز، ۱۹۶۵)^۲ در پژوهش خود نشان داد که نگرش‌های اقتصادی دانش‌آموزان در مدارس متوسطه پکن مطلوب است. با این وجود، فراگیران هنوز فاقد دانش و مهارت‌های تربیت اقتصادی بودند. در تحقیقی با عنوان میزان توجه به ویژگی‌های تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در اسپانیا نشان داد که برنامه درسی در بعد شناختی به میزان ۲۰/۱۰ درصد، بعد عملکردی به میزان ۶/۱۰ درصد و بعد نگرشی به میزان ۳/۱۵ درصد به ویژگی‌های تربیت اقتصادی توجه شده است که این موضوع بیانگر کم‌توجهی به این مؤلفه‌هاست. (چنگ، ۲۰۰۷)^۳ در پژوهشی تحت عنوان نقش معلم در رابطه با فعالیت‌های تربیتی- اقتصادی دانش‌آموزان نشان داد که معلم نقش مهم‌تری نسبت به سایر عوامل در تربیت اقتصادی دارد لذا معلم می‌تواند با تقویت روحیه کسب و کار و قدرت تفکر در فراگیران به انتخاب شیوه‌های درست و تربیت اقتصادی کمک کند. (نوویانی و همکاران، ۲۰۱۵)^۴ در تحقیق خود با عنوان اثربخشی آموزش تربیت اقتصادی بر روی دانش‌آموزان پیش دبستانی نتیجه گرفت که دانش‌آموزان دارا و بی‌بهره از برنامه در تربیت اقتصادی، تفاوت معناداری با یکدیگر در حوزه اقدام و عمل اقتصادی دارند. (میریزا، ۲۰۱۵)^۵ در پژوهشی با عنوان جایگاه آموزش اقتصاد در دروس ریاضی و فیزیک دبیرستان به این نتیجه رسید که این دروس می‌توانند به تربیت توانایی و تفکر اقتصادی کمک کنند. (پاندی و باناچاریا، ۲۰۱۲)^۶ در پژوهشی با عنوان «سواد اقتصادی معلمان متوسطه در هندوستان» نشان دادند که معلمان دوره متوسطه، در سطح پایین سواد مالی هستند. سطح سواد اقتصادی در بین دو جنس و مدارس،

¹ Zhiro

² Bach & Saunders

³ Cheng

⁴ Noviani

⁵ Meiriza

⁶ Pandey & Bhattacharya

متفاوت بود. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که مسائل و مشکلات مالی و فشارهای اقتصادی که طبعاً بخشی از آن ناشی از ناکافی بودن سواد مالی افراد است می‌تواند با ناهنجاری‌های ذیل رابطه داشته باشد (یعقوب نژاد و همکاران، ۲۰۱۱). ۱- خصوصت‌های خانوادگی ۲- رفتارهای تند و خشن والدین ۳- کاهش توان جوانان برای مقابله با مشکلات و مسائل روزمره زندگی ۴- افزایش رفتارهای نابهنجار در سطح جامعه ۵- اعتیاد به مشروبات الکلی ۶- بروز رفتارهای شرارت‌آمیز (شیرازیان، ۲۰۱۸). در پژوهشی که در این زمینه انجام داده‌اند یک‌سوم دانشجویان اعلام کردند که وضعیت مالی آنها بر توانایی آنها برای تکمیل دوره دانشگاهی تأثیر داشته است. بنابراین با توجه به این که سواد مالی در نهایت منجر به رفاه مالی بلندمدت، ارتقای رفاه مالی شهروندان هر جامعه و توانمندسازی آنان در زندگی اقتصادی است؛ پس توجه نظام‌های آموزشی و برنامه‌ریزان درسی، به اهمیت سواد مالی در سیستم آموزشی، بسیار ضروری است. به علاوه، دلایل زیادی برای این که مردم اقتصاد را مطالعه و بررسی کنند وجود دارد. اما مهم‌ترین دلیل آن این است که آراء و نظریات اقتصادی از هر جهت در زندگی افراد برای حل حادترین مسائل یعنی مشکلات اقتصادی تأثیر دارد؛ خواه که این مردم آن را آگاهانه شرکت کرده باشند یا خیر. به‌طور واضح می‌توان گفت مشکلی وجود ندارد که مجزا از اقتصاد به نظر آید (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹). تحقیقی توسط (قالق و همکاران، ۲۰۱۶) در خصوص چگونگی سنجش سطح سواد مالی دانشجویان صورت پذیرفته است و نتیجه آن استخراج پرسشنامه‌ای قابل اتکا و بومی جهت سنجش سواد مالی می‌باشد. آنها می‌گویند: با توجه به اینکه سؤالات منتخب، حاصل اتفاق نظر و خرد جمعی تعدادی از اساتید برتر حوزه حسابداری و مالی در کشور می‌باشد که اغلب حائز رتبه استادی و دانشیاری هستند، لذا به نظر می‌رسد می‌توان پرسشنامه حاصل را برای سنجش سواد مالی دانشجویان، به عنوان یکی از اقشار پرجمعیت و بااهمیت کشور به کار برد و نقاط ضعف و قوت آنها را سنجید و در راستای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف اقدام نمود و پیشنهاد می‌دهند برخی از پژوهش‌های آتی به تهیه ابزار مناسب سنجش سواد مالی در بین سایر اقشار جامعه از جمله دبیرستانی‌ها، کارگران و کارمندان و ... اختصاص یابد. در کشور ما متأسفانه تاکنون به مسئله سواد مالی و آموزش آن به کودکان توجه جدی نشده است. وجود پرونده‌های فراوان مربوط به دعاوی مالی و اقتصادی دادگاه‌ها در ایران، تجربیات سرمایه‌گذاری همراه با شکست در موسسه‌های مالی و اعتباری غیر رسمی، نقش پررنگ مشکلات مالی و اقتصادی در مسائل اجتماعی مانند طلاق و مثال‌های زیادی از این دست نشان از ضعف سطح سواد مالی ایرانیان دارد. بررسی چرایی این آمار نگران‌کننده از دغدغه‌های اصلی مسئولان به شمار می‌رود. این بررسی نیازمند ریشه‌یابی موشکافانه موضوع است.

مروری بر ادبیات پژوهش

سواد مالی از جنبه‌های مختلف، مطالعه شده است. نهادهای دولتی و سازمان‌های خصوصی در کشورهای توسعه‌یافته نظرسنجی‌هایی را برای اندازه‌گیری سطح سواد مالی از جامعه انجام داده‌اند (رحمانی نوروزآباد و محمدی، ۲۰۱۹). به بررسی پیامدهای سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. در این پژوهش میدانی، به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش سرمایه‌گذاران حقیقی در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و از این جامعه آماری، ۳۴۴ نفر از سرمایه‌گذاران به‌طور تصادفی ساده در دسترس و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. به‌منظور بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار LISREL استفاده گردیده است. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که تأثیر نگرش مالی و رفتار مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران مثبت و معنادار است. همچنین تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سرمایه‌گذاری دارد (رحمانی نوروزآباد و محمدی، ۲۰۱۹). در یک پژوهش به بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. یافته‌های این مطالعه مؤید تأثیر مثبت و معنادار سواد مالی و مدیریت پول و مؤلفه‌هایشان بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. شواهد هیچ تأثیر غیرمستقیمی را نشان نداد؛ زیرا در نرم‌افزار اسمارت پی ال اس

تأثیرها به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تفکیک می‌شوند (شیرازیان، ۲۰۱۸). در پژوهشی تحت عنوان «تعاملات سواد مالی، احساسات سرمایه‌گذاران، ادراک ریسک و تمایل به سرمایه‌گذاری» نشان دادند که برخلاف مطالعات قبلی، شواهدی در مورد تأثیر سواد مالی بر ادراک ریسک سرمایه‌گذاران در ایران مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، سواد مالی، ادراک ریسک و احساسات به‌صورت جمعی و به‌طور قابل توجهی بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، شواهدی نیز از تأثیر خاص جنسیت پیدا کردند (رستمی نوروزآباد، ۱۳۹۷). در پژوهشی، تأثیر میزان دسترسی به منابع تأمین مالی بر عملکرد مالی با در نظر داشتن نقش سواد مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در شرکت‌های پذیرفته‌شده سازمان بورس اوراق بهادار تهران، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران را ارزیابی و بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد سواد مالی در رابطه دسترسی داشتن به منابع تأمین مالی بر بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام، نقش تعدیل‌گر دارد (میرعرب رضی و همکاران، ۲۰۱۹). در مطالعه خود با عنوان «سواد مالی و ضرورت سنجش آن در نظام نوین آموزشی؛ مطالعه موردی شهرستان شهرضا» به معرفی جایگاه سواد مالی در نظام نوین آموزشی دنیا و سنجش و بررسی عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان شهرضا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از ۱۵۴ امتیاز ممکن در پرسش‌نامه، میانگین نمره سواد مالی دانش‌آموزان ۹۰ است که نشان‌دهنده ناچیزبودن سواد مالی در بین دانش‌آموزان این مقطع است. همچنین از بین متغیرهای بررسی‌شده، نمره ریاضی دانش‌آموز، پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده، سطح تحصیلات و اشتغال مادر در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر سطح سواد مالی دانش‌آموز تأثیرگذار بوده است. پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معنادار آماری بین سواد مالی دانش‌آموزان پسر و دختر وجود ندارد. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد اگر تصمیم بر قراردادن مفاهیم مالی در فصل‌هایی از کتاب‌های دانش‌آموزان است، رابطه میان مفاهیم درس ریاضی و مفاهیم مالی مثبت بوده است؛ پس می‌توان مفاهیم مالی را به سرفصل‌های درس ریاضی اضافه کرد (روشندل و همکاران، ۲۰۱۸). در پژوهشی با عنوان «رابطه بین سواد مالی و خودکارآمدی مالی» به بررسی این رابطه در جامعه دانشجویان ترکیه پرداخته‌اند. اطلاعات و داده‌های تحقیق از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج حاصل نشان می‌دهد که سواد مالی به‌تنهایی تأثیری بر خودکارآمدی مالی ندارد گرچه وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر اثبات می‌گردد (دمیرهان و همکاران، ۲۰۱۹).^۱ کلانتو نگاوی^۲ در پژوهشی در سال (۲۰۱۹) به چگونگی کارکرد سواد مالی در بهبود ثبات و پایداری در SMEs پرداخته‌اند. برای این کار نمونه مورد آزمون ۲۹۱ مدیر مالی یا معاون مالی تعیین شده است. با استفاده از مدل معادلات ساختاری مشخص گردید که بین سواد مالی با شاخص‌های دسترسی به منابع مالی و نگرش ریسک مالی رابطه مستقیم وجود دارد. سواد مالی همچنین می‌تواند به‌عنوان یک تخمین‌زننده برای منابع مالی و نگرش ریسک مالی عمل کند. در پژوهشی با عنوان «گرایش‌های هنری، سواد مالی و عملکرد کارآفرینانه» به آزمون وجود رابطه بین گرایش‌های هنری و عملکرد کارآفرینانه و چگونگی اثر منابع کارآفرینانه همچون سواد مالی بر این رابطه می‌پردازد. داده‌ها از نمونه مورد آزمون شامل ۳۷۵ کسب و کار کوچک در اندونزی جمع‌آوری و با استفاده از رگرسیون خطی سلسله‌مراتبی تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان‌دهنده همبستگی میان گرایش‌های هنری، سواد مالی، گرایش‌های کارآفرینی با عملکرد کارآفرینانه است. همچنین نشان می‌دهد که گرایش‌های هنری بر عملکرد مالی و غیرمالی بنگاه اثرگذار است. به‌طور کل گرایش‌های هنری و سواد مالی تأثیر مثبتی بر عملکرد کلی و خلاقیت‌های مخاطره‌آمیز دارند (درايو و همکاران، ۲۰۱۶).^۳ (بونجینی و همکاران، ۲۰۱۸)^۴ در پژوهشی با عنوان «چالش‌های ارزیابی سواد مالی» به ارزیابی سواد مالی در جامعه بزرگسالان ایتالیا از طریق متدهای تحلیل داده‌های جایگزین پرداخته‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که متدهای تحلیل داده‌های جایگزین

¹ Demirhan

² Clanto Negavi

³ Driva

⁴ Bongini

نقش بسیار مهمی در ارزیابی سواد مالی ایفا می‌کنند. پیشنهاد می‌کنند که پژوهش در سواد مالی باید دروازه‌هایش را به سوی رویکردهای چندگانه و جایگزین باز کند تا بتواند شاخص‌های قابل اتکایی را برای تعیین نیازهای آموزشی گروه‌های مختلف جمعیتی به‌وجود آورد و کمک شایانی به طراحی برنامه‌های آموزش سواد مالی نماید. هاموند در پژوهشی در سال (۱۳۹۵) به بازنگری برنامه‌ها و سیاست‌های آموزش سواد مالی جوانان در مقیاس وسیع در ایالات متحده پرداخته‌اند. آنها می‌گویند گرچه پیشرفت‌های زیادی در سطح ایالتی نسبت به دهه‌های گذشته در توسعه سواد مالی صورت گرفته است اما تعداد زیادی از ایالت‌ها هنوز الزامات سواد مالی کافی را ندارند و اقدامات سایر ایالت‌ها نیز با احکام و مقررات ضعیف به شدت غیرمؤثر است. همچنین در برنامه‌های غیرانتفاعی با ارزیابی‌های سخت، برای مطمئن شدن از اینکه خدمات دریافتی با نیازهای دانش‌آموزان مطابقت داشته است اقدامات زیادی قابل اجرا نیست. محققان، آموزش‌دهندگان، مشارکت‌کنندگان و سیاست‌گذاران باید در جهت پرکردن این خلاء در ایالات متحده از طریق انجام اقدامات شایسته کوشش نمایند تا آینده مالی بهتری برای افراد و کل کشور ایجاد گردد. (عاریفین، ۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر رضایت مالی با رفتار مالی به عنوان متغیر مداخله بر نیروی کار منطقه جاکارتا پرداخته‌اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر سواد مالی و نگرش مالی نسبت به رضایت مالی با رفتار مالی به عنوان متغیر میانجی است. این پژوهش بر نمونه‌ای از نیروی کار در جاکارتا، اندونزی انجام شد. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند است. نمونه از طریق انتشار پرسش‌نامه به کارکنان به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق آنلاین و از طریق بخش پرسشنامه گوگل بوده که ۴۵۰ نفر به آن پاسخ داده‌اند. داده با استفاده از SmartPLS 3.0 پردازش شده‌اند. نتیجه نشان می‌دهد که ۱- سواد مالی و نگرش مالی تأثیر مثبتی بر رفتار مالی دارد. ۲- سواد مالی، نگرش مالی، تأثیر مثبتی بر رفتار مالی دارند. ۳- رفتار مالی، رابط بین دانش مالی و نگرش مالی نسبت به رضایت مالی است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی و از جهت داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده از نوع ترکیبی (آمیخته) اکتشافی است. پژوهش‌های ترکیبی، پژوهش‌هایی هستند که با استفاده از ترکیب دو مجموعه تحقیق کمی و کیفی به انجام می‌رسند و شواهد بیشتری برای درک بهتر پدیده‌ها به دست می‌دهند و محدودیت طرح‌های تحقیق کمی و تحقیق کیفی را از میان بر می‌دارند و روش مصاحبه به کار گرفته شده است. جامعه آماری این بخش از تحقیق دانش‌آموزان سال سوم دوره دوم متوسطه مدارس شهر تهران بود. با توجه به این که دانش‌آموزان سال آخر در شرف ورود به بازار کار، استقلال مادی و اجتماعی، ادامه تحصیل در دانشگاه و یا تشکیل خانواده بودند. با توجه به این موارد، تعداد عضو ۱۵ نفر بصورت قضاوتی تعیین می‌گردد. در این مرحله با استفاده از دیدگاه خبرگان و مؤلفه‌های استخراج شده در مرحله قبلی یک پرسشنامه ی تهیه گردید و در اختیار جامعه آماری دوم که شامل دانش‌آموزان سال سوم دوره دوم متوسطه مدارس شهر تهران بودند، قرار داده شد. در نمودار زیر فرآیند تهیه و استخراج پرسشنامه مناسب و بومی، نمونه موردنظر به‌صورت شماتیک نشان داده شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل آماری از نرم‌افزار SPSS25 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش نشان داد که ۶۱/۵۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۳۸/۴۶ درصد زن می‌باشند و همچنین تعداد ۲ نفر معادل ۷ درصد مدرک دکتری مالی، تعداد ۳ نفر معادل ۲۶ درصد مدرک دکتری اقتصاد و تعداد ۱۰ نفر معادل ۶۷ درصد مدرک دکتری حسابداری بود. در بخش جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه با توجه به تجزیه و تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده، ۳ مقوله اصلی و ۴۱ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف آموزش و پرورش، تربیت جامع انسان است و تربیت جامع و مانع همواره در نظام‌های آموزشی هدف بوده است؛ به این دلیل برنامه‌ریزان درسی همواره باید تلاش خود را به سمت این هدف غایی سوق دهند. در این میان، خواه‌ناخواه برخی از موضوعات کاربردی تربیتی و زیستی از نظرها دور مانده است. سواد مالی و آموزش آن از جمله آنهاست. یادگیری مهارت‌های مربوط به سواد مالی در دوران کودکی، مزایای زیادی در درازمدت خواهد داشت.

جدول ۱. استخراج مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه

نگرش مالی	رفتار مالی	دانش مالی
کسورات دستمزد و خالص دریافتی، میزان پوشش خسارت بیمه‌های خودرو (بدنه و شخص ثالث، نبود بیمه کامل) تأمین اجتماعی، شناخت اهداف موردنظر پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی، تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر نحوه پس‌انداز، استفاده از بدهی جهت حفظ قدرت خرید در شرایط تورمی، شناخت منابع عمده درآمدی در سنین مختلف، تأثیر سرمایه‌گذاری در سنین مختلف، راهکارها و روش‌های کاهش ریسک در هنگام سرمایه‌گذاری، وب در بورس محاسبه سودوزیان سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت کم‌ریسک، تأثیر تورم بر انتخاب نرخ بازده مورد نیاز، تأثیر بهره مرکب بر مانده پس‌انداز، سرمایه‌گذاری در بورس برای افراد فاقد دانش لازم	سپرده‌گذاری بلندمدت و جوه مازاد، درک معافیت پایه مالیاتی دستمزد، شناخت کارت‌های اعتباری، مشکلات محتوایی، نبود معلم‌هایی با توانمندی دانش اقتصادی لازم، کمبود بودجه تخصیص‌یافته در زمینه آموزش سواد مالی در مدارس، روش و نحوه اخذ مالیات بر ارزش افزوده پس‌انداز کوتاه‌مدت و جوه، تأثیر تورم بر اقسام مختلف جامعه، تأثیر سرمایه‌گذاری در سنین مختلف راهکار کاهش ریسک در هنگام سرمایه‌گذاری در بورس، شناخت منابع عمده درآمدی در سنین مختلف، مالیات حقوق و دستمزد	تأثیر تورم بر قدرت خرید، تأثیر بدحسابی بر سابقه اعتباری افراد به‌عنوان واسطه‌گران و جوه و تأمین‌کنندگان، درک موفقیت مناسب استغراض پول شناخت توانایی دستگاه‌های خودپرداز، استفاده فرزندان از پوشش بیمه‌های والدین، شناخت پوشش انواع بیمه‌های درمانی و خدماتی مناسب برای شغل‌های متفاوت، انتخاب بهترین راهکار بین اجاره یا رهن منزل، نقش تاریخ در چک‌های مدت‌دار، شناخت خدمات نوین بانکداری الکترونیکی، نقش مانده جبرانی در افزایش هزینه بهره وام، ویژگی‌های ضامن وام درصدی از سرمایه که باید مصروف وسیله نقلیه شود، چک از منظر قانون تجارت، بیمه‌های زیر به عنوان بخشی از سوابق بازنشستگی، مبنای حقوق دوران بازنشستگی افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی، مسئولیت افراد در ضمانت وام دیگران، درک گزینه‌هایی که بدون محدودیت قابلیت خرج کردن دارند

ما در عصر بدهی‌های پیش‌بینی‌نشده زندگی می‌کنیم و این‌که دانش‌آموزان در زندگی آینده‌شان با چالش‌های مالی روبه‌رو می‌شوند؛ پس برای مریبان لازم است دانش‌آموزان را با دانش و مهارت‌هایی آشنا سازند تا در اقتصاد امروز موفق باشند (ممشلی، ۲۰۱۳). کلید افزایش سواد مالی کشور در آموزش آن به دانش‌آموزان است و در کشور ما متأسفانه تاکنون به مسئله سواد مالی و آموزش آن به کودکان توجه جدی نشده است. وجود پرونده‌های فراوان مربوط به دعاوی مالی و اقتصادی دادگاه‌ها در ایران، تجربیات سرمایه‌گذاری همراه با شکست در مؤسسه‌های مالی و اعتباری غیررسمی، نقش پررنگ مشکلات مالی و اقتصادی در مسائل اجتماعی مانند طلاق و مثال‌های زیادی از این دست نشان از ضعف سطح سواد مالی ایرانیان دارد. بررسی چرایی این آمار نگران‌کننده از دغدغه‌های اصلی مسئولان به شمار می‌رود. این بررسی نیازمند ریشه‌یابی دقیق و موشکافانه موضوع است. به نظر می‌رسد این مسئله در آموزش نادرست این قبیل موارد در کودکی و نوجوانی افراد ریشه دارد. آیا محتوای درسی مدارس ابتدایی ۱۵ سال پیش، مدارس راهنمایی ۱۰ سال قبل و دبیرستان‌های ۵ سال پیش، کودکان و نوجوانان دیروز را برای مواجهه با پیچیدگی‌های مالی دنیای امروز آماده کرده است؟ نوجوانان پس از اتمام دوره دبیرستان، چقدر برای ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و مالی آمادگی دارند؟ چقدر با کارآفرینی و پیچیدگی‌های آن آشنا هستند؟ چقدر با بازاربایی و پیچیدگی‌های دنیای تبلیغات آشنایی دارند؟ آیا می‌توانند برنامه‌ریزی مالی خوبی برای خویش داشته باشند؟ سؤالاتی از این دست نشان می‌دهد نیاز به سنجش سواد مالی به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان و بررسی

عوامل مؤثر بر آن، همچنین آموزش مفاهیم به این افراد از نیازهای اساسی کشور محسوب می‌شود؛ این در حالی است که در حال حاضر حتی ابزار مناسبی برای سنجش سواد مالی در کشور وجود ندارد. درباره متغیرهای تأثیرگذار بر سواد مالی و عملکرد اقتصادی، مطالعات زیادی نشده است. اگرچه نظریه واحدی نیست که عوامل مشخصی را تأثیرگذار بداند، پژوهشگران در مطالعات خود عوامل گوناگونی را بررسی کرده‌اند. در مطالعات پیشین در میان دانش‌آموزان، گاهی جنسیت را بر سواد مالی مؤثر دانسته‌اند و گاهی محققان تفاوت خاصی در عملکرد اقتصادی بین دختران و پسران قائل نشده‌اند و همچنین رابطه برخی دیگر از متغیرها نظیر تجربه بیکارشدن والدین، سطح تحصیلات خانواده و اندازه کلاس و موقعیت مدرسه با سواد اقتصادی ارزیابی شده است. موضوع سواد مالی و لزوم بررسی آن بدین لحاظ اهمیت دارد که بر موضوعاتی چون عدم کفایت سواد مالی، زندگی افراد، خانواده و شرکای تجاری آنها به سبب اتخاذ تصمیمات نامناسب مالی سخت تأثیرگذار است و این امر تأثیرات نامناسبی بر جامعه داشته است و حتی سبب کاهش ثروت ملی و در نهایت کاهش سطح رفاه مالی در جامعه می‌گردد (**جعفری ندوشن، ۲۰۱۱**). در پژوهش حاضر، ضمن ارائه ابزاری مناسب برای سنجش سطح سواد مالی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول، به سنجش سطح این سواد در بین این دانش‌آموزان پرداخته شده و همچنین برخی از عوامل مؤثر بر آن شناسایی شده است. پژوهش حاضر برای سنجش سطح سواد مالی دانش‌آموزان از پرسشنامه تألیفی استفاده کرده است که سؤالات آن براساس استانداردهای محتوایی الگوی شورای تربیت اقتصادی تدوین شده است و در زمینه عوامل مؤثر بر سطح این سواد هم با توجه به این‌که در پژوهش‌های مختلف براساس نظر و سلیقه پژوهشگر، ارتباط عوامل مختلفی با سطح سواد مالی افراد سنجیده شده است و نظریه واحدی در این زمینه وجود ندارد، در این پژوهش سعی بر آن شده است که ترکیبی از این عوامل ارزیابی شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد بین نمره درس ریاضی دانش‌آموز و سطح سواد مالی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، اگر نمره ریاضی دانش‌آموز افزایش یابد، احتمال قرارگرفتن او در گروه با سواد مالی زیاد نیز افزایش خواهد یافت. این یافته، با نتیجه حاصل از پژوهش و گزارش ۲۰۱۲ نیز مطابقت دارد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد با بهبود پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده، امتیاز سواد مالی دانش‌آموز و احتمال قرارگرفتن او در گروه با سواد مالی زیاد افزایش خواهد یافت. از این منظر نیز نتیجه پژوهش با پژوهش و گزارش ۲۰۱۲ هماهنگی دارد (**دیانتی دیلمی و حنیفه زاده، ۲۰۱۵**). بر اساس نتایج پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دارای مادر شاغل، امتیاز بیشتری از دانش‌آموزان دارای مادر خانه‌دار کسب کرده‌اند؛ همچنین دانش‌آموزان دارای مادران با تحصیلات کم (زیر دیپلم و دیپلم)، در مقایسه با دانش‌آموزان دارای مادرانی با تحصیلات عالی (لیسانس به بالا)، به طور میانگین نمره سواد مالی بیشتری را کسب کرده‌اند. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد عملکرد مالی دانش‌آموزان پسر و دختر، تفاوت معناداری از لحاظ آماری نداشته است. آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان، کلید افزایش سواد مالی جمعیت در بلندمدت خواهد بود؛ با این حال آموزش مفاهیم مالی و اقتصادی در کشور ما کمتر در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش حاضر نیز پایین بودن سطح این سواد را در میان دانش‌آموزان تأیید می‌کند. بنابراین نیاز به ارزیابی محتوای آموزشی دوره‌های مختلف آموزشی از منظر مفاهیم سواد مالی احساس می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد آموزش مفاهیم مالی در قالب درس‌های علوم اجتماعی اثر لازم را نداشته است؛ بنابراین بازنگری محتوای آموزشی دروس علوم اجتماعی پیشنهاد می‌شود. گفتنی است آموزش سواد مالی در دنیا به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌گیرد. در روش مستقیم در زمان مشخص، محتوای ازپیش تعریف‌شده‌ای به مخاطب منتقل می‌شود و در روش دوم مباحث در خلال درس‌های دیگر و به صورت مثال‌ها یا شواهد مربوط به آنها آموزش داده می‌شود. هر یک از این روش‌ها در جای خود می‌تواند به ارتقای سواد مالی بیانجامد؛ با این حال هیچ‌یک جایگزین کاملی برای دیگری نیست. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد اگر تصمیم بر قراردادن مفاهیم مالی در فصل‌هایی از کتاب‌های دانش‌آموزان است، رابطه میان مفاهیم درس ریاضی و مفاهیم مالی، مثبت بوده است؛ پس می‌توان مفاهیم مالی را به سرفصل‌های

درس ریاضی اضافه کرد. هر چند سرمایه‌گذاری در بورس با خرید یک ورقه بهادار آغاز می‌شود اما خرید این دارایی مالی، نیازمند بررسی و تحلیل دقیق از وضعیت حال و آینده آن است. تجربه نشان می‌دهد افرادی که با حدس و گمان سرمایه‌گذاری می‌کنند، منفعت بسیار کمی می‌برند. در چنین شرایطی، با وجود تنوع، پیچیدگی و تحولات سریع در بازارهای مالی، داشتن مهارت‌ها و روش‌های مدیریت امور مالی، برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و استفاده اطلاعات مالی و در یک کلام، داشتن سواد مالی، ضروری خواهد بود. سواد مالی، مجموعه دانش درک امور مالی است که شامل بررسی پدیده‌های مالی، ماهیت، قوانین و روابط حاکم بر آن می‌باشد. سواد مالی دارای چهار بعد دانش، نگرش، تمایل و رفتار می‌باشد که همه آنان تأثیر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری افراد در بورس اوراق بهادار دارند ولی اینکه کدام‌یک از ابعاد، بیشترین تأثیر را بر سرمایه‌گذاری افراد دارد؟ همچنین این ابعاد به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند بر یکدیگر تأثیرگذار باشند و منجر به تقویت و تضعیف یکدیگر در سرمایه‌گذاری، تشکیل سبد و خرید سهام گردند. در بخش کمی پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج نشان داد که ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان بر رشته تحصیلی آنان تأثیر دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

شغل والدین آنان	رشته تحصیلی آنان	ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان	همبستگی پیرسون معناداری تعداد کل	ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان
۰/۲۳	۰/۲۰	۱	۱۳۶	۱
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۱
۱	۱	۱۳۶	۱۳۶	۱۳۶

از طرفی، مقدار این رابطه برابر با ۰/۲۳۶ است، به طور معکوس (منفی) می‌باشد. بدین معنی که با ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان رشته تحصیلی آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود. مقدار این رابطه برابر با ۰/۲۰۵ است، به طور معکوس (منفی) می‌باشد. بدین معنی که با بالا رفتن ابعاد سه‌گانه سواد مالی دانش‌آموزان، میزان شغل والدین آنان به نسبت قوی، پایین خواهد بود.

پیشنهادهای تحقیق

آموزش سواد مالی به دانش‌آموزان، کلید افزایش سواد مالی جمعیت در بلند مدت خواهد بود؛ با این حال آموزش مفاهیم مالی و اقتصادی در کشور ما کمتر در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش حاضر نیز پایین بودن سطح این سواد را در میان دانش‌آموزان تأیید می‌کند. بنابراین نیاز به ارزیابی محتوای آموزشی دوره‌های مختلف آموزشی از منظر مفاهیم سواد مالی احساس می‌شود. برخی از بانک‌ها و موسسات مالی که سبب سهولت خرید و در بعضی مواقع خرج کردن بی رویه پول توسط افراد فاقد دانش مالی می‌گردد و بسیاری از موارد مشابه موجب افزایش روز افزون اهمیت درک مفاهیم مالی توسط همه اقشار جامعه شده است زیرا در شرایط جدید کسب رفاه مالی و آسایش مادام‌العمر بدون تسلط به مفاهیم سواد مالی میسر نخواهد بود، لذا با توجه به اهمیت موضوع به نظر می‌رسد مقوله سواد مالی نیاز به توجه خاص و انجام تحقیقات متعددی دارد که پژوهش حاضر می‌تواند نقطه آغاز آن باشد. با توجه به اینکه سوالات منتخب، حاصل اتفاق نظر و خرد جمعی تعدادی از اساتید برتر حوزه حسابداری و مالی در کشور می‌باشد که اغلب حائز رتبه استادی و دانشیاری هستند؛ لذا به نظر می‌رسد می‌توان

پرسش‌نامه حاصل را برای سنجش سواد مالی دانشجویان، به عنوان یکی از اقسام پرجمعیت و بااهمیت کشور به کار برد و نقاط ضعف و قوت آنها را سنجید و در راستای تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف اقدام کرد. همچنین می‌توان از طریق اندازه‌گیری سواد مالی، رابطه آن را با ویژگی‌های دموگرافیک افراد (نظیر سن، جنس، سطح سواد، سطح درآمد و ...) سنجید و گروه‌های پرخطر را شناسایی کرد و به آنها آموزش‌های لازم در این خصوص را ارائه نمود. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با اندازه‌گیری سطح سواد مالی، رابطه آن با سایر متغیرها از جمله سطح سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه، تنوع پرتفوی افراد، کارآفرینی و ... را بررسی کنند یا همانند بسیاری از پژوهش‌های بین‌المللی به واکاوی نقش سواد مالی در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بپردازند و ضمن اندازه‌گیری دقیق آن از طریق پرسش‌نامه پیشنهادی، به بررسی رابطه سطح سواد مالی با مباحثی از قبیل طلاق، اعتیاد، شکست تحصیلی و ... بپردازند. در پایان با توجه به نتایج تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌گردد: محققان در پژوهش‌های آتی با استفاده از الگوی ارائه شده در این پژوهش به اندازه‌گیری سواد مالی دانشجویان ایرانی بپردازند و همچنین این‌گونه تحقیقات را با کشورهای خارجی مقایسه کنند.

References

- Adamzadeh, E., Adamzadeh, F., & Derogarian, F. (2008, December 23-24). *The Impact of Education on Entrepreneurship and Economic Development*. The first national conference on the development of economic activities, Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/65312/>
- Ahmadi, G. A., Imam Juma, S. M. R., & Alizadeh Katanlou, L. (2015). Investigating the level of attention to all components of financial and economic literacy in the content of elementary school textbooks. *Research in Curriculum Planning*, 12(20), 179-192. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=265821>
- Arifin, A. Z. (2018). Influence factors toward financial satisfaction with financial behavior as intervening variable on Jakarta area workforce. *European Research Studies Journal*, 21(1), 90-103. <https://www.um.edu.my/library/oar/handle/123456789/30092>
- Bach, G. L., & Saunders, P. (1965). Economic education: Aspirations and achievements. *The American economic review*, 55(3), 329-356. <https://www.jstor.org/stable/1814554>
- Bahmani, M., & NezamTaheri, S. S. (2020). Evaluating the Effect of Earning Smoothing Using Maximization and Minimization of Earnings Approaches to Reduce Stock Price Crash Risk in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Karafan Quarterly Scientific Journal*, 16(46), 253-274. https://karafan.tvu.ac.ir/article_105729_379d82d24a52ac40d3e0743bd38c076.pdf
- Becker, W., Greene, W., & Rosen, S. (1990). Research on high school economic education. *The Journal of Economic Education*, 21(3), 231-245. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00220485.1990.10844670>
- Blue, L., Grootenboer, P., & Brimble, M. (2014). Financial literacy education in the curriculum: Making the grade or missing the mark? *International Review of Economics Education*, 16, 51-62. <https://doi.org/10.1016/j.iree.2014.07.005>
- Bongini, P., Iannello, P., Rinaldi, E. E., Zenga, M., & Antonietti, A. (2018). The challenge of assessing financial literacy: alternative data analysis methods within the Italian context. *Empirical Research in Vocational Education and Training*, 10(1), 12. <https://doi.org/10.1186/s40461-018-0073-8>

- Cameron, M. P., Calderwood, R., Cox, A., Lim, S., & Yamaoka, M. (2014). Factors associated with financial literacy among high school students in New Zealand. *International Review of Economics Education*, 16, 12-21. <https://doi.org/10.1016/j.iree.2014.07.006>
- Cheng, L-R. L. (2007). Cultural Intelligence (CQ): A Quest for Cultural Competence. *Communication Disorders Quarterly*, 29(1), 36-42. <https://doi.org/10.1177/1525740108314860>
- Demirhan, D., Babacan, O., Ardogan, R., & Tatarlar, CD. (2019, November 28-30). *Relationship Between Financial Literacy and Financial Self-Efficacy: A Research On University Students*. International Conference on Applied Economics and Finance Turkey, Kusadası -Turkey. https://www.researchgate.net/publication/331275646_Relationship_Between_Financial_Literacy_And_Financial_Self-Efficacy_A_Research_On_University_Students
- Organization for Economic Cooperation and Development (2017). *Principles of Corporate Governance of the Organization for Economic Cooperation and Development: Report of the Organization for Economic Cooperation and Development to the Ministers of Economy and Central Bank Governments September 20*. Exchange (affiliated with Exchange Information and Services Company). <https://www.adinehbook.com/gp/product/6007872238>
- Dianti Deilami, Z., & Hanifehzadeh, M. (2015). A Survey of Financial Literacy Levels of Tehran Families and Related Factors. *Quarterly Journal of Securities Analysis Financial Knowledge*, 8(26), 115-139. https://jfkasrbiau.ac.ir/article_6789.html
- Driva, A., Luhrmann, M., & Winter, J. (2016). Gender differences and stereotypes in financial literacy: Off to an early start. *Economics Letters*, 146, 143-146. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2016.07.029>
- Duca, J. V., & Kumar, A. (2014). Financial literacy and mortgage equity withdrawals. *Journal of Urban Economics*, 80, 62-75. <https://doi.org/10.1016/j.jue.2013.08.003>
- Islami Bidgoli, S., & Karim Khani, M. (2016). Financial literacy: Political-economic contexts of emergence and its place in market economy. *Journal of Financial Research*, 18(2), 251-274. <https://doi.org/10.22059/jfr.2016.61591>
- Jafari Nodoshan, A. A. (2011). In need of financial literacy movement. *Bourse Magazine*(97), 24-27.
- Mamsholi, M. (2013). *Curriculum requirements for financial literacy in primary education with the intention of designing a curriculum* [Master, Allameh Tabatabaei]. Tehran, Iran. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/e6c2ded9025116e8cc05349ee3c080ec>
- Meiriza, M. S. (2015). Students' Perception on the Prospect of Economics Education Study Program. *Journal of Education and Practice*, 6(28), 144-151. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1081248>
- Mirarab Razi, R., Hajitabar, Firoozjarei, M., & Arianfar, S. (2019). Analysis of Economic Literacy Components of Secondary School Textbooks from the Viewpoint of Teachers and Students. *Journal of Educational Planning Studies*, 7(14), 121-132. <https://doi.org/10.22080/eps.1970.2128>
- Musazadeh, Z., Azim Zadeh Ardabili, F., & Sanati, F. (2016). Economic education in the field of distributed application components of the education system based on Islamic teachings. *Islamic Perspective on Educational Science*, 3(5), 5-20. <https://doi.org/10.30497/edus.2016.57797>
- Musazadeh, Z., Azimzadeh, F., & Sanati, F. (2015). Application of components in the field of economic education in the education system based on Islamic teachings. *Educational sciences from the perspective of Islam*, 3(5), 5-20. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=270412>

- Noviani, L., Soetjipto, B. E., & Sabandi, M. (2015). Economic Education Laboratory: Initiating a Meaningful Economic Learning through Laboratory. *Journal of Education and Practice*, 6(33), 93-98. <https://eric.ed.gov/?id=EJ1083518>
- Pandey, C., & Bhattacharya, S. (2012). Economic literacy of senior secondary school teachers: A field study. *Journal Of All India Association For Educational Research*, 24(1), 46-60. <https://silo.tips/download/economic-literacy-of-senior-secondary-school-teachers-a-field-study>
- Peyghami, A., & Turani, V. (2011). The role of the economics curriculum in the formal and public education curriculum of the world, providing an action plan for a neglected curriculum. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 37(9), 32-36. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=149506>
- Potrich, A. C. G., Vieira, K. M., & Mendes-Da-Silva, W. (2016). Development of a financial literacy model for university students. *Management Research Review*, 39(3), 356-376. <https://doi.org/10.1108/MRR-06-2014-0143>
- Purnomo, B. R. (2019). Artistic orientation, financial literacy and entrepreneurial performance. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 13(1-2), 105-128. <https://doi.org/10.1108/JEC-09-2018-0065>
- Qalamq, K., Yaqub Nejad, A., & Fallah Shams, M. F. (2016). The effect of financial literacy on the behavioral biases of Tehran Stock Exchange investors. *Financial management perspective*, 6(4), 75-94. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=305209>
- Rahmani Nowruz Abad, S., & Mohammadi, E. (2019). The consequences of financial literacy on investment decisions and investment performance. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 12(41), 113-123. https://jfkسا.srbiau.ac.ir/article_13981_38823_55f26f744bab9098a797a780a84.pdf
- Roshandel, A., Amiri, H., & Toghyani, M. (2018). Financial literacy and the need to measure it in the new education system-Case Study of Shahreza city. *Journal of New Educational Approaches*, 13(1), 67-86. https://nea.ui.ac.ir/article_23349_5b593f24b40a9ee18091ca9febfb4a21.pdf
- Samelar, S., Rozi Jokor Abbasloo, F., & Rozijoo, R. (2015, December 29). *The role of teachers in students' economic education*. National Conference on Applied Research in Educational Sciences and Psychology and Social Injuries in Iran, Tehran, Iran. <https://civilica.com/doc/438511/>
- Shen, C-H., Lin, Sh-J., Tang, D-P., & Hsiao, Y-J. (2016). The relationship between financial disputes and financial literacy. *Pacific-Basin Finance Journal*, 36, 46-65. <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2015.11.002>
- Shirazian, Z. (2018). Investigation Effect of Financial Literacy and Money Management on Personal Financial Management of Tehran stock exchange investors. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11(38), 145-163. https://jfkسا.srbiau.ac.ir/article_12562.html
- Shirzadi, A. (2018, March 12). *Types of literacy from the perspective of UNESCO*. The Educational Research and Planning Organization .
- Yaghoubnejad, A., Nikomram, H., & Moinuddin, M. (2011). Presenting a Model for Measuring the Financial Literacy of Iranian Students Using the Fuzzy Delphi Method. *Journal of Financial Engineering and Securities Management*, 2(8), 1-49. http://fej.iauctb.ac.ir/article_511752.html